

قدیمیترین مأخذ

که نام تبریز در آن برده شده

پروفسور ولادیمیر مینورسکی شرقشناس فقید در مقاله ممتع و مفصل تبریز که قریب سی سال پیش جهت نشر در دائرة المعارف اسلامی آماده کرده بود و تا کنون بچند زبان زنده از جمله بزبان فارسی ترجمه شده است درباره کلمه تبریز و وجه تسمیه این شهر با نقل از مأخذ مختلف مطالبی آورده که لابد بنظر اغلب خوانندگان نشریه دانشکده ادبیات تبریز رسیده است .

خلاصه نوشته آن مرحوم اینست که کلمه تبریز را مورخین و علمای مسالك وممالك عرب چون سماعی و یاقوت به کسر باء و جغرافی نویسان ایرانی و ترک چون حمدالله مستوفی و کاتب چلبی و اولیاچلبی به فتح تاء و مورخین رومی و ارمنی و روسی چون فاوست ، وارتان و خاتکیف به فتح تاء و به قلب « باء » به « او » یعنی بصورت توزز Tavrez و تورژ Tavrez ذکر کرده اند و به توجیهاتی نیز که هر يك از تسمیه شهر تبریز آورده اند اشاره شده است نظیر اینکه به عقیده حمدالله مستوفی بنای تبریز از زبیده زن هارون الرشید است، وی به بیماری تب مبتلا بوده، روزی چند در آن حوالی اقامت کرده، در اثر هوای لطیف و دل انگیز این مکان بیماری وی زایل شده، و فرموده در اینجا شهری بنا کنند بنام تبریز یعنی ریزنده و بر طرف کننده تب .

اولیا چلبی کلمه تبریز را به معنی « ستمه دو کوجو » یعنی ریزنده و پنهان کننده تب و تف و تاب و گرما، و مربوط با جنبشهای آتشفشانی کوه سهند دانسته است. مورخین ارمنی هم اسم تبریز را تورژ یا دورژ Davrez و محرف از عبارت « د-ای-ورژ » Da-1-vrež دانسته و گفته اند بانی تبریز خسرو ارشاکسی (۲۳۳-۲۱۷) حکمران

ازمنی است که آنرا بیاد گرفتن انتقام قتل اردوان یا ارتبانوس آخرین پادشاه پارسی از اردشیر بابکان بنیاد نهاده و «انتقام گاه» نامیده است.

البته همه این توجیحات از خیالبافی و احساسات نویسندگان نشأت گرفته و مردود و غیر قابل اعتنا می باشد، خود مرحوم مینورسکی نیز همین عقیده را داشت و چهارسال پیش روزی که من در کمبریج مهمان آن مرحوم بودم ضمن بحث از ترجمه مقاله تهریز این مطلب را یادآوری می کرد و می گفت من درباره اکثر مقالات و رساله هایم بخصوص مقاله تهریز تصحیحات و اضافات زیادی دارم که اگر بنا شود روزی تجدیدچاپ گردند باید با آن تصحیحات و اضافات بچاپ برسند. من گفتم اتفاقاً نسخه ترجمه فارسی مقاله تهریز یا عبارت خودمان «تاریخ تهریز مینورسکی» نایاب است و ناشر در نظر دارد تجدیدچاپ بکند، گفت من اکنون به اضافات آن دسترسی ندارم، ممکن است تا چند هفته دیگر برایت بفرستم. مدتی بر این برآمد، شاید کبرسن و کثرت مشغله امکان آنرا نداد که وی بوعده خود وفا کند، من ضمن نامه ای که بوسیله آقای دارک معلم زبان فارسی دانشگاه لندن برایش فرستادم موضوع تجدید طبع تاریخ تهریز و انتظار اشتیاق استفاده از یادداشتها و اضافات آن مرحوم را یادآور شدم. چند هفته بعد ضمن تبریک عید مطالبی مرقوم داشت که چون یکی از تحقیقات چاپ نشده آن مرحوم و متضمن ذکر قدیمی ترین مأخذی است که نامی از تهریز در آن برده شده، لذا قسمتی از آن در اینجا نقل می شود:

«... امیدوارم بیست مقاله مینورسکی را از دانشگاه تهران به تهریز فرستاده اند.

انشاءالله خدمت رسیده باشد. ممنون می شدم اگر کسی در نشریه دانشکده ادبیات کتاب را تنقید میکرد. همانطوری که میدانید مقاله تهریز بنده در خیلی جاها تبصره و اضافات بعدی را ندارد و مهمترین ضمیمه ای که باید اضافه شود اینست که: قدیمترین ذکر از اسم تهریز یحتمل در کتیبه پادشاه آشور (سارغون) پیدامی شود. سارغون Sargon ثانی در سال ۷۱۴ قبل از میلاد سفری برضد ممالک اورارتو (Urartu) کرد و فتحهای خود

را به‌اله (خدای) مملکت خود ذکر کرد. او از ناحیه سلیمانیه (در کردستان عراقی) داخل کردستان مکرری شد و ناحیتهای جنوبی دریاچه ارومیه (رضائیه) را استیلا کرد، محل پارسوا (Parsua) که به عقیده این جانب آن را نزدیک قلعه خراب پسوی (Paswē) باید جست از آنجا سفرش از طرف شرقی دریاچه بود، بعد از رسیدن به اوشکایا (که بنظر اسکویه حالیه باشد). از آن پس در میان فتحهای قلعه‌های سدیدالبنّا، تاروی (Tarvi) و ترماکیسو (Tarmakisu) را ذکر می‌کند.

دور نیست که یکی از این دو نام اسم جائی بوده که بعد از ورود ایرانیها بصورت ایرانی مبدل شده و آخر کار تبریز حالیه گشته است. زیاده زحمت، ارادتمند حقیقی ولادیمیر مینورسکی.

پایان